

سنجش و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در پیدایش هویت‌بخشی محلات شهری (مطالعه موردی: شهر جیرفت)

سید علی علوی*، موسی پهلوان درینی^۱، فرخ لقا بهادری امجزی^۲

چکیده

احیاء هویت محله‌ای و تعلقات اجتماعی به‌منظور مدیریت مطلوب و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان همواره مورد تأکید محققان و کارشناسان شهری بوده است. بررسی و شناخت عوامل مداخله‌گر و تأثیرگذار بر احساس هویت‌مندی محله‌ای می‌تواند در جهت حل معضل بحران هویت در شهرها و محلات امروز کارساز باشد. شهروندان ساکن در محلات کلان‌شهرهای امروزی با فضای محله خود مأنوس نیستند و در تصویر ذهنی آن‌ها محله بخشی از شهر محسوب شده است. محله ویژگی‌های سنتی خود را از دست داده و همواره احساس بی‌هویتی و سرگردانی را بر انسان ساکن در آن القاء کرده است. تلاش اصلی در این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر هویت‌بخشی در محلات شهری و اولویت‌بندی عوامل صورت گرفته است. روش تحقیق به‌صورت توصیفی - تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه به کمک تکنیک‌های تلفیق آزمون آماری کوکران و مدل مجموع وزنی ساده^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده نشان داده است که بیشترین عامل تأثیرگذار در هویت‌بخشی به محلات شهر جیرفت، احساس تعلق و وابستگی به محله با وزن ۰/۳۰۱ بوده است و کمترین عامل، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله با وزن ۰/۱۷۵ می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

محلات شهری، هویت محله‌ای، حس تعلق، شهر جیرفت.

۱- دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۲- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۳- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.

* نویسنده مسئول: a.alavi@modares.ac.ir

مقدمه

سنّتی محله از بین رفته و ارزش‌هایی، همچون روابط همسایگی، آرامش و ... همگی رنگ باخته و حتی در بعضی موارد، اسم‌های جدید مانند فاز، بلوک و ... جای اسم محله را به خود گرفته است. نتایج حاصل از پژوهشی که توسط هودسنی (۱۳۸۴) انجام گرفته است، نیز بیانگر آن است که گسست موجود در ساختار فضایی محلات امروز و از بین رفتن هویت کالبدی محدوده سبب از بین رفتن ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنان و کاهش ارتباطات و تعاملات میان مردم گردیده است. به نظر می‌رسد انسانی که در جامعه نوین زندگی می‌کند، دارای هویت چندگانه است و به خوبی باید شناخته شود؛ بنابراین برای بازیابی هویت محله‌ای در کلان‌شهرهای امروز، نیاز به اجرای فرایندی است که تحقق آن در درازمدت متصور است و مستلزم همکاری و تشریک مساعی گروه‌های مختلف علمی - حرفه‌ای در ابعاد مختلف شناخت‌شناسی انسان است. امکان هویت بخشی به محلات از مقوله‌های مهم در مباحث امروزی علوم اجتماعی است. لذا این پژوهش سعی دارد تا به این دو سؤال جواب بدهد که عوامل مؤثر در هویت بخشی به محلات کدام است؟ و کدام یک از عوامل تأثیرگذار در پیدایش هویت محله‌ای محدوده مورد مطالعه بیشترین تأثیر را دارد؟ تا پس از شناسایی این عوامل، اولویت‌بندی گردند.

پیشینه پژوهش

ماکس وبر^۲ (۱۹۲۰) به مسئله بحران عقلانیت در شهرهای جدید غربی اشاره می‌کند. وی تفوق یافتن عمل اجتماعی مبتنی بر عقلانیت معطوف به‌غایت را در مقابل عمل اجتماعی معطوف به ارزش یا عمل صرفاً عاطفی یا صرفاً سنّتی را از جمله نشانه‌هایی می‌داند که برای درک شهرنشینی جدید با تمدن سرمایه‌داری صنعتی موجود در شهرهای بزرگ امروز به کار گرفته می‌شوند؛ بنابراین، رویکرد جامعه‌شناختی وبر نسبت به شهرنشینی بر محور اصلی عقلانیت یافتگی دیوان سالارانه قرار گرفته است (فکوهی ۱۳۸۳). لینچ^۳ (۱۳۸۴)، معیارهای هفت‌گانه‌ای را برای محیط‌زیست خوب شهری و محله‌ای ذکر می‌کند: قابلیت زیست، قابلیت درک، انطباق خوب فرم بر عملکرد،

هویت برگرفته از صفات و مشخصات جوهری هر شیء یا شخص یا شهر است که به واسطه وجوهی همچون تمایز و تشابه، تداوم و تحول، وحدت و کثرت، شخصیت پیدا می‌کند (شماعی و پوراحمد ۱۳۹۲). بحران هویت یا احساس بی‌هویتی به عنوان یکی از بحران‌های زندگی انسان امروز در بسیاری از قلمروهای آن و غالب جوامع مشاهده می‌شود (نقی‌زاده ۱۳۸۶). از این‌رو هویت‌بخشی محله‌ای به‌عنوان مقدمه موضوع تقسیمات کالبدی شهر و چگونگی ابعاد و سلسله مراتب آن، به ضرورتی عمده در مباحث برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است (سبحانی‌نژاد ۱۳۸۸). از طرفی مفهوم محله در برنامه‌ریزی و طراحی شهری از آن روی جایگاه ویژه می‌یابد که با هویت بخشی به آن می‌توان حس تعلق به مکان و به‌نوعی حس جا و هویت شهروندان را تقویت نمود (برک‌پور ۱۳۸۰). از گذشته‌های دور محلات مسکونی در شهرها، به‌عنوان سلول‌های حیات شهری دارای نقش اساسی در زندگی ساکنان آن‌ها بوده‌اند. با توجه به اینکه در گذشته محلات شهری، مکان‌هایی برای گردآمدن افراد با ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و ... مشترک بوده‌اند، به دنبال تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک و در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته شده‌ای می‌بود که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردید.

همین عامل در آن محدوده سبب ایجاد فضایی با کارکرد و عملکردهای خاص می‌شد که بافت آن را نیز از محدوده‌های اطراف متمایز می‌گرداند. وجود یک شیوه زندگی خاص در میان افراد ساکن در یک محله معمولاً به ایجاد اهداف و علایق مشترک در میان ساکنان یک محله، می‌انجامد. در چند دهه اخیر، با تغییرات شگرف در شیوه زندگی در ساختار محلات نیز تغییرات اساسی ایجاد گردیده است. امروزه محله‌هایی به وجود آمده‌اند که غیر از تفاوت در اسمشان، هیچ ویژگی متمایز دیگری نسبت به هم ندارند. این سیر نادرست و حرکت‌های معیوب آن‌چنان وضعی را به وجود آورده است که در بافت‌های جدید شهری، ویژگی

محلله‌ای مقیاس قابل قبولی برای سنجش و اندازه‌گیری است، بنابراین شناسایی عوامل مؤثر در هویت‌بخشی محلات شهری و اولویت‌بندی آن‌ها تأثیر بسزایی در ارتقای هویت و کیفیت محلات شهری خواهد داشت؛ بر همین اساس این مقاله سعی دارد تا در گام نخست عوامل هویت‌بخش محلات شهری را شناسایی کرده و سپس به اولویت‌بندی این عوامل بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

هویت

هویت از نظر لغوی به معنی هستی، وجود، ماهیت و سرشت است و ریشه آن از واژه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (میرمحمدی ۱۳۸۳). در فرهنگ آکسفورد، هویت از لحاظ معنایی برابر با همانندی، همسانی، این‌همانی است و از لحاظ مفهومی برابر با شرایط مشخص و تصریح اشخاص یا اشیا است. شیخاوندی هویت را با تأکید بر «وجه تشخیص» تعریف می‌کند: هویت مبین مجموعه خصایصی که امکان تعریف صریح یک شیء یا یک شخص را فراهم می‌آورد (شیخاوندی ۱۳۸۰). ساروخانی (۱۳۷۰) در دایره‌المعارف علوم اجتماعی ذیل واژه هویت چنین آورده است: کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویش است در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است. بدین‌سان به نظر گافمن، فرد بین من در شرایط موجود و من واقعی قرار دارد (ساروخانی ۱۳۷۰). هویت محیط، تعیین‌کننده نگرش هر انسان در محیط زندگی‌اش است. هویت در انسان انگیزه و نشاط ایجاد می‌کند. در فضای بی‌هویت همه افراد با یکدیگر و محیط زندگی‌شان بیگانه هستند (میرمحمدی ۱۳۸۳).

هویت محله‌ای

پاکزاد، بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی می‌داند که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. او معتقد است انسان هنگامی که درباره خود فکر می‌کند، خود را متصل به مکانی

دسترسی مناسب، قابلیت کنترل و مراقبت و نظارت، کارایی، عدالت. لنینج خصوصیات یک محله با هویت را خیابان‌های آرام و ایمن و خدمات روزانه می‌داند که به راحتی و سهولت در دسترس قرار گیرد و چنانچه ضرورت نظارت احساس شود، بتوان شکل‌های سیاسی در آن به وجود آورد (بحرینی ۱۳۸۴). بهزادفر معتقد است برای شناخت هویت یک شهر باید مؤلفه‌های سازنده شخصیت آن شهر را شناخت. او مؤلفه‌های شخصیت یک شهر را همانند شخصیت انسانی دارای دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی و روحی می‌داند که می‌توان از طریق سه محیط طبیعی، مصنوعی و انسانی از همدیگر تفکیک نمود (بهزادفر ۱۳۸۶). قاسمی و نگینی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان به این نتیجه رسیدند که سطح بافت محلات بر هویت اجتماعی محله‌ای تأثیر می‌گذارد. همچنین سطح متغیر نفوذپذیری و سطح متغیر درهم‌تنیدگی بر احساس هویت محله‌ای تأثیر دارد. جهانی دولت‌آباد و همکاران در سال (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران به این نتایج دست یافتند که احساس تعلق و حساسیت به محله در بین شهروندان منطقه مورد مطالعه چندان پررنگ و قابل قبول نیست. یکی از مهم‌ترین علل این موضوع فقدان تعامل سازنده بین نهادهای مردمی و شهروندان در این منطقه است. همچنین انتظارات شهروندان منطقه از نهادهای مردمی در خصوص تقویت عوامل هویت‌بخش محله‌ها قابل توجه است. محسنی و همکاران در سال (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تطبیقی عناصر کالبدی محله‌های قدیمی شیراز به این نتیجه رسیدند که اصول به‌کاررفته در طراحی محله‌های تاریخی شهر شیراز به اصول پایدار این رویکرد نزدیک است. این پژوهش مدخلی را برای بومی‌سازی رویکردهایی کارا از این دست ارائه می‌دهد که می‌تواند به افزایش امنیت محله‌های مسکونی کمک شایانی کند. وحیدا و نگینی در سال (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای به این نتیجه رسیدند که مدل‌های عاملی و شاخص بر ارزش آن‌ها، مقیاس هویت

بهزادفر (۱۳۸۶) معتقد است برای شناخت هویت یک شهر باید مؤلفه‌های سازنده شخصیت آن شهر را شناخت. او مؤلفه‌های سازنده هویت شهر را به دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی تقسیم می‌کند. این دو بعد می‌تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوعی و انسانی از یکدیگر تفکیک گردد. او اجزا متغیرهای چون کوه، دشت، رود، تپه و ... را برمی‌شمرد و اجزا و مؤلفه‌های مصنوع را نیز از متغیرهایی چون تک بناها، بلوک‌های شهری، محله، راه، خیابان، میدان و نظیر آن می‌داند. اجزا و مؤلفه‌های انسانی را نیز شامل متغیرهای زبان، دین، آداب و رسوم، اعتقادات محلی و... ذکر می‌کند (بهزادفر ۱۳۸۶).

مفهوم محله

روبرت کون^۵ در دائره‌المعارف شهر خود محله را این‌گونه توصیف می‌کند: ۱- منطقه یا موقعیت. ۲- منطقه‌ای در اطراف مکانی یا چیزی. ۳- بخش قابل تفکیکی از یک منطقه شهری منطقه‌ای مرکب از کاربری‌های مختلف که به‌صورت ساختار شهری به حالت یکپارچه درآمده است (Cowan 2005). محله به عنوان سلول زندگی حیات شهری است. محله ممکن است با هر کدام از جنبه‌ها یا معیارهای زیر تعریف گردد: ۱- مناسبات اداری: به‌وسیله مرزهای و محدوده‌ها ۲- زیاشناسی: به‌وسیله ویژگی‌های بارز و قدمت ۳- توسعه اجتماعی: از دید و نگاه ساکنان در منطقه ۴- عملکردی: به‌وسیله محدوده خدماتی ۵- زیست محیطی: به‌وسیله فضاهای با ترافیک آرام و روان و کیفیت بالای زیست‌محیطی (Barton 2003). اینگلهارد^۶ محله را شامل مدرسه ابتدایی، یک مرکز خرید کوچک و یک زمین‌بازی می‌داند. این تسهیلات نزدیک مرکز محله به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند که مسافت پیاده‌روی بین آن‌ها و خانه‌ها از نیم مایل (۸۰۴ متر) تجاوز نمی‌کند. بخش‌های تشکیل‌دهنده این جامعه حالت یکپارچه دارند و همچنین جوامعی می‌توانند هر آنچه را که از نظر ارتباطات و کار نیاز دارند برآورده سازند (Neal 2003). یک محله می‌تواند، یک شبکه اجتماعی تعریف شود و ممکن است بتواند پایه و اساسی برای فعالیت‌های اجتماعی و یا حتی نظامی محسوب شود.

می‌داند که در آن زیست می‌کند و آن مکان را بخشی از خود می‌شمارد، میان فرد و زندگی‌اش رابطه عمیقی وجود دارد که پاکزاد از این رابطه با «به خود همانی با فضا» تعبیر می‌کند (پاکزاد ۱۳۸۵). قاسمی اصفهانی، هویت را جزء ویژگی‌های یک پدیده نمی‌داند، بلکه آن را حاصل توافقی میان فرد و پدیده مورد ارزیابی تعریف می‌کند. بر این مبنا، هویت مفهومی نسبی است که یکسر آن به انسان برمی‌گردد و سر دیگرش در محیط تعریف می‌شود (قاسمی اصفهانی ۱۳۸۳). او شرایط هویت‌مندی یک محله را به این ترتیب برمی‌شمرد: تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی‌شان خاطره‌ای که در ذهن ساکنان از محله برجای مانده است، خاطرات جمعی که در حافظه جمعی ساکنان از محله بر جای مانده است. او نسل بی‌خاطره را نسلی بی‌ریشه می‌داند، حس تعلق خاطر افراد به محله خودشان. در تعریفی دیگر، هویت مکان، بخشی از هویت شخصی تعریف می‌شود. هویت مکان بر اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد؛ بنابراین، بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است. رابطه میان انسان و مکان دوطرفه است، زیرا کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مرتبط می‌سازد (Walmsley 1990). افروغ (۱۳۸۰) نیز سیمای فیزیکی فعالیت و معنا را مواد خام هویت مکانی بیان می‌کند که دیالکتیک میان این سه روابط ساختاری این هویت را می‌سازد. به اعتقاد او انسان با معنایی که به دو مؤلفه دیگر هویت مکان؛ یعنی کالبد و جسم فیزیکی و فعالیت‌هایی که در این کالبد رخ می‌دهد، می‌بخشد، هویت مکانی ویژه‌ای را برای هر مکان تعریف می‌کند (افروغ ۱۳۸۰). نورنبرگ شولتز^۴ نیز دامنه وسیع‌تری برای این همانی با فضا (احساس هویت‌مندی مکان) قائل است. وی این همانی را متناظر با الفت یافتن با یک محیط خاص می‌داند. هویت محله‌ای را، احساس تعلق به یک محله مسکونی نیز تعریف می‌کنند (Foth 2004). قاسمی توقعات موضوعی از مکان سکونت را برای هویت بخشی به محله‌ای مسکونی حس آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن، دنجی، حس تعلق به مکان و امکان ایجاد تعاملات اجتماعی میان ساکنان برمی‌شمرد.

شکل‌گیری شخصیت شهری معرفی می‌کند که شامل نکات زیر است. ۱- وجود روابط غیرشخصی، سطحی و پایدار ۲- انزوای افراد به دلیل کمبود روابط شخصی ۳- وجود فاصله اجتماعی ۴- وجود گروه‌های ثانویه ۵- تراکم و عدم تجانس و ناهمگنی ۶- جداسازی بر اساس طبقه، قومیت، نژاد، نوع خانه و غیره ۷- تفاوت شدید شیوه‌های زندگی بنا بر مجموعه‌های هم‌جواری (همسایگی) و روابط و حوزه خصوصی و عمومی ۸- افزایش شدید مبادلات اجتماعی که سطحی شدن و ناپایداری آن‌ها را ایجاب می‌کند (فکوهی ۱۳۸۳).

هیوج بارتن^۸ هويت محله‌ای را در سه بعد مطرح می‌کند: فیزیکی، سیاسی، اجتماعی. هويت اجتماعی یک محله به وجود شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های حمایتی در نظریه وی اشاره دارد، چراکه این شبکه‌ها در سلامت روانی انسان اهمیت بسزایی دارند. وی نشان می‌دهد که هرچه تمرکز گروه در سطح هويت محله‌ای افزایش یابد، میزان بیماری‌های روانی آن گروه کاهش می‌یابد. همچنین به اعتقاد وی هرچه یک محله از صفات طبیعی و جغرافیایی بهتری برخوردار باشد احساس تعلق بیشتری در ساکنان خود به وجود خواهد آورد. قدمت و سابقه تاریخی یک محله نیز در ایجاد حس غرور و افتخار آفرینی ساکنان مؤثر است. او عوامل اجتماعی- اقتصادی را نیز یکی از مهم‌ترین عوامل پیوند اهالی یک محله می‌داند (Barton 2003).

روش پژوهش

این پژوهش در دو بخش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. اطلاعات در بخش توصیفی با انجام عملیات میدانی و از طریق توزیع پرسشنامه و منابع کتابخانه‌ای و روش‌های آنلاین جمع‌آوری گردیده است. در بخش تحلیلی با استفاده از آزمون آماری کوکران و مدل تحلیلی SAW داده‌ها جمع‌آوری گردیده و مورد آزمون و تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش نیز شامل ۴۰۰۰ نفر از شهروندان بالای ۱۵ سال شهر جیرفت بوده که از بین آن‌ها تعداد ۳۵۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده است.

در نتیجه محله یک هويت اجتماعی مکانی است. در چنین قلمرویی، تقابل رسمی و غیررسمی و شناخت همسایگی رخ می‌دهد، کاربری روزانه خدمات محله توسط ساکنین و آگاهی آنان در مورد تصویر محله به عنوان بخشی از هويت اجتماعی‌شان نیز به وابستگی میان مکان و فضا اشاره دارد. محلات همچنین روی شرایط گوناگون اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و بوم‌شناختی تأکید دارند، شواهد بر این نکته تأکید دارند که جامعه محلی به‌طور انتخابی، ویژگی‌های سازمانی موضوعات اجتماعی و واکنش‌های اجتماعی را که در جامعه گسترده شده‌اند به وجود آوردند (Louis 1989). محله جایی است که از نظر کالبدی، اجتماع را در فضای بزرگ‌تر شهری محدود می‌کند. محله‌ها اغلب اجتماعات مربوط به جامعه هستند که اعضای آن به شکل ملموسی باهم ارتباطات چهره به چهره دارند (Cowan 2005).

نظریات و دیدگاه‌های مختلف در مورد هويت محلات شهری

ماکس وبر به مسئله‌ی بحران عقلانیت در شهرهای جدید غربی اشاره می‌کند و خطر کاهش پیوندهای معنوی و سرانجام زوال هويت انسانی و بشری را آغاز تحول جدید در عرصه حیات بشری تلقی می‌نماید. وی تفوق یافتن عمل اجتماعی مبتنی بر عقلانیت معطوف به‌غایت را در مقابل عمل اجتماعی معطوف به ارزش یا عمل صرفاً عاطفی یا صرفاً سنتی را از جمله نشانه‌هایی می‌داند که برای درک شهرنشینی جدید یا تمدن سرمایه‌داری صنعتی موجود در شهرهای بزرگ امروز به کار گرفته می‌شوند؛ بنابراین رویکرد جامعه‌شناختی وبر نسبت به شهرنشینی بر محور اصلی عقلانیت یافتگی دیوانسالارانه قرار گرفته است (فکوهی ۱۳۸۳).

لویس ویرث^۷ از دانشمندان مکتب شیکاگو، خصوصیات متمایز زندگی شهری را معمولاً به جایگزین شدن روابط ثانویه به‌جای روابط اولیه، ضعیف شدن قیود خویشاوندی، کم شدن اهمیت اجتماعی خانواده، از بین رفتن همسایگی و بالاخره سست شدن انسجام و یگانگی زندگی سنتی اطلاق می‌کند. وی الگویی را برای



شکل (۱). نقشه شهر جیرفت
منبع: مرکز آمار ایران

تجزیه و تحلیل

برای تعیین عوامل مؤثر در پیدایش هویت محله‌ای در شهر جیرفت ابتدا شاخص‌ها را بر اساس طیف لیکرت وزن دهی (۱ خیلی کم، ۲ کم، ۳ متوسط، ۴ زیاد، ۵ خیلی زیاد) و با هم جمع گردیده است. سپس بر اساس مدل توزین افزودنی ساده هرکدام از این شاخص‌ها (مستخرج از مطالعات و پژوهش‌های مرتبط در این زمینه) بررسی می‌شود تا تأثیرشان در هویت بخشیدن به محله‌های شهری مشخص شود. مدل مجموع ساده وزنی، یکی از ساده‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه می‌باشد. با محاسبه اوزان شاخص‌ها، می‌توان به راحتی از این روش استفاده کرد. مراحل استفاده از این روش عبارت‌اند از: ۱- کمی کردن ماتریس تصمیم‌گیری ۲- بی‌مقیاس سازی خطی مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری ۳- ضرب ماتریس بی‌مقیاس شده در اوزان شاخص‌ها ۴- انتخاب بهترین گزینه.

به منظور تعیین حجم نمونه ساده‌ترین روش استفاده از فرمول کوکران می‌باشد که بدین شرح می‌باشد:

در فرمول کوکران:

$$N = \frac{z^2 pq}{d^2} \div \left(1 + \frac{1}{n} \left(\frac{z^2 p}{d^2} - 1 \right) \right)$$

n = حجم نمونه

N = حجم جامعه آماری (حجم جمعیت شهر، استان و...)

مقدار متغیر نرمال و واحد استاندارد که از جدول نرمال استخراج می‌شود و برای میزان اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱/۹۶ می‌باشد.

P = نسبتی از جمعیت دارای صفت معین (مثلاً جمعیت مردان)
 $q = (1 - p)$ = نسبتی از جمعیت دارای صفت معین (مثلاً جمعیت مردان)

d = درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب و برابر با ۵٪ خطا (۰/۰۵) منظور شده است.

بنابراین بر اساس فرمول فوق و با توجه به حجم جامعه آماری و مقدار خطای مجاز ۰/۰۵، حجم نمونه برابر با ۳۸۳ برآورد شده است.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان جیرفت یکی از شهرستان‌های استان کرمان است. مرکز این شهرستان شهر جیرفت است. این شهرستان از شمال به شهرستان کرمان، از جنوب به شهرستان عنبرآباد، از شرق به قسمتی از شهرستان بم و از غرب به شهرستان بافت و رابر محدود شده است شهرستان جیرفت ۱۳۷۹۹ کیلومتر مربع وسعت دارد و در قسمت مرکزی استان واقع شده است که به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و طبیعی به «هند ایران و هند کوچک» معروف است. جمعیت شهرستان جیرفت بنا بر سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۷۷۷۴۸ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۹۰).

جدول (۱). وزن دهی عوامل مؤثر بر هویت بخشی به محلات شهر جیرفت

منبع: (نگارندگان)

ردیف	شاخص‌ها	طیف لیکرت				
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	شرکت در مسابقات مختلف فرهنگی و ورزشی محله	۷۴	۸۳	۱۰۸	۳۹	۴۶
۲	احساس تعلق و وابستگی به محله	۱۲۵	۹۹	۸۸	۲۶	۱۲
۳	ارزیابی از وضعیت نظافت و زیبایی محله	۵۳	۸۲	۵۶	۸۴	۷۵
۴	آشنایی با مراکز مختلف آموزشی، بهداشتی، خرید محله	۳۴	۴۷	۵۴	۹۰	۱۲۵
۵	آشنایی با وظایف و حقوق شهروندی	۸۷	۹۳	۶۷	۵۴	۴۹
۶	ارزیابی از وضعیت آرامش و امنیت محله	۶۴	۷۹	۹۳	۴۴	۷۰
۷	میزان مشارکت در تصمیم‌گیرهای‌های مربوطه محله	۱۰۷	۱۱۰	۸۳	۲۴	۲۶
۸	میزان آشنایی با تاریخچه محله	۶۹	۹۳	۹۹	۵۷	۳۲
۹	شرکت در مراسمات و برنامه‌های جمعی محله	۹۶	۷۸	۱۲۰	۴۱	۱۵
۱۰	مشارکت در اجرای برنامه‌های مربوطه به محله	۱۱۵	۸۹	۱۰۲	۳۴	۱۰
۱۱	آشنایی با عناصر یا چهره‌های سرشناس محله	۴۸	۶۷	۸۹	۲۸	۱۱۸
۱۲	پیگیری مسائل و مشکلات محله	۸۹	۷۵	۱۱۱	۴۳	۳۲

نتایج از بی‌مقیاس سازی در جدول (۲) ارائه شده است:

گام اول: بی‌مقیاس سازی خطی (نرمال سازی)

گام اول:

$$n_{ij} = \frac{a_{ij}}{\text{Max}(a_{ij})}$$

در این نوع بی‌مقیاس سازی هر مقدار به ماکزیمم مقدار

موجود در ستون j ام، تقسیم می‌شود بدین طریق کلیه

ستون‌های ماتریس تصمیم‌گیری دارای واحد مشابهی

می‌شوند و می‌توان به راحتی آن‌ها را با هم مقایسه کرد.

جدول (۲). ماتریس بی‌مقیاس شده خطی عوامل مؤثر بر هویت بخشی محلات شهری

منبع: (نگارندگان)

ردیف	شاخص‌ها	طیف لیکرت				
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	شرکت در مسابقات مختلف فرهنگی و ورزشی محله	۰/۵۹۲	۰/۷۵۴	۰/۹	۰/۴۳۳	۰/۳۶۸
۲	احساس تعلق و وابستگی به محله	۱	۰/۷۳۳	۰/۷۳۳	۰/۲۸۸	۰/۰۹۶
۳	ارزیابی از وضعیت نظافت و زیبایی محله	۰/۴۲۴	۰/۷۵۴	۰/۴۶۶	۰/۹۳۳	۰/۶
۴	آشنایی با مراکز مختلف آموزشی، بهداشتی، خرید محله	۰/۲۷۲	۰/۴۲۷	۰/۴۶۶	۰/۹۳۳	۰/۶
۵	آشنایی با وظایف و حقوق شهروندی	۰/۹۶۶	۰/۸۴۵	۰/۵۵۸	۰/۶۰	۰/۳۹۲
۶	ارزیابی از وضعیت آرامش و امنیت محله	۰/۵۱۲	۰/۷۱۸	۰/۷۷۵	۰/۴۸۸	۰/۵۶
۷	میزان مشارکت در تصمیم‌گیرهای‌های مربوطه محله	۰/۸۵۶	۱	۰/۶۹۱	۰/۲۶۶	۰/۲۰۸
۸	میزان آشنایی با تاریخچه محله	۰/۵۵۲	۰/۸۴۵	۰/۸۲۵	۰/۶۳۳	۰/۲۵۶
۹	شرکت در مراسمات و برنامه‌های جمعی محله	۰/۷۶۸	۰/۷۰۹	۱	۰/۴۵۵	۰/۱۲
۱۰	مشارکت در اجرای برنامه‌های مربوطه به محله	۰/۹۲	۰/۸۰۹	۰/۸۵	۰/۳۷۷	۰/۰۸
۱۱	آشنایی با عناصر یا چهره‌های سرشناس محله	۰/۳۸۴	۰/۶۰۹	۰/۷۴۱	۰/۳۱۱	۰/۹۴۴
۱۲	پیگیری مسائل و مشکلات محله	۰/۷۱۲	۰/۶۲۸	۰/۹۲۵	۰/۴۷۷	۰/۲۵۶

قسمت دوم گام دوم:

در این قسمت مقدار عدم اطمینان «di» به دست می آید:

$$d_i = 1 - E_i$$

مثال قسمت دوم:

$$d_i = 1 - 0/541 = 0/451$$

قسمت سوم گام دوم:

در این قسمت وزن شاخص ها را به دست می آوریم

فرمول قسمت سوم:

$$w_j = \frac{d}{\sum d_i}$$

مثال قسمت سوم:

$$w_j = \frac{0/451}{6/318} = 0/071$$

گام دوم: در این گام اوزان شاخص ها را با استفاده از مدل

آنتروپی شانون محاسبه می کنند جدول (۳) و با استفاده از

فرمول $E_i = -k \sum_{j=1}^m [p_{ij} \ln p_{ij}]$ مقدار اطمینان را به

دست می آورند. برای به دست آوردن مقدار k از فرمول

$$k = \frac{1}{\ln(m)}$$

$$-k = \frac{1}{\ln(m)} = \frac{1}{\ln(12)} = -0/402$$

مثال قسمت اول گام دوم:

$$E_1 = 0/402 [0/592 \ln(0/592) + 0/754$$

$$(\ln(0/754) + 0/9(\ln(0/9) + 0/433(\ln(0/433)$$

$$+ 0/368(\ln(0/368)) = 0/541$$

جدول (۳). اوزان شاخص های زیربنایی عوامل مؤثر بر هویت بخشی به محلات شهری

منبع: نگارندگان)

ردیف	شاخص	E_i	$d_i = 1 - E_i$	$W_j = \frac{d_i}{\sum d_i}$	مجموع
۱	شرکت در مسابقات مختلف فرهنگی و ورزشی محله	۰/۵۴۱	۰/۴۵۱	۰/۰۷۱	۱/۰۶۳
۲	احساس تعلق و وابستگی به محله	۰/۳۶۳	۰/۶۳۷	۰/۱۰۰	۱/۱
۳	ارزیابی از وضعیت نظافت و زیبایی محله	۰/۴۶۵	۰/۵۳۵	۰/۰۸۴	۱/۰۸۴
۴	آشنایی با مراکز مختلف آموزشی، بهداشتی، خرید محله	۰/۱۸۰	۰/۸۲	۰/۱۲۹	۱/۱۲۹
۵	آشنایی با وظایف و حقوق شهروندی	۰/۵۵۹	۰/۴۴۱	۰/۰۶۹	۱/۰۶۹
۶	ارزیابی از وضعیت آرامش و امنیت محله	۰/۵۸۳	۰/۴۱۷	۰/۰۶۶	۱/۰۶۶
۷	میزان مشارکت در تصمیم گیرهای های مربوطه محله	۰/۶۳۱	۰/۳۶۹	۰/۰۵۸	۱/۰۵۸
۸	میزان آشنایی با تاریخچه محله	۰/۵۰۸	۰/۴۹۲	۰/۰۷۷	۱/۰۷۷
۹	شرکت در مراسمات و برنامه های جمعی محله	۰/۴۲۴	۰/۵۷۶	۰/۰۹۱	۱/۰۹۱
۱۰	مشارکت در اجرای برنامه های مربوطه به محله	۰/۵۲۵	۰/۴۷۵	۰/۰۷۵	۱/۰۷۵
۱۱	آشنایی با عناصر یا چهره های سرشناس محله	۰/۵۲۵	۰/۴۷۵	۰/۰۷۵	۱/۰۷۵
۱۲	پیگیری مسائل و مشکلات محله	۰/۵۱۲	۰/۴۸۸	۰/۰۷۷	۱/۰۷۷

هویت‌مندی یک محیط مستلزم تعلق مکان (مکان دوستی) ساکنان محله به محیط زندگی‌شان می‌باشد که نشأت گرفته از مشارکت در برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی، آشنایی با مراکز مختلف آموزشی و بهداشتی، وجود امنیت و آرامش در محله، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله، آشنایی با چهره‌های سرشناس محله و پیگیری مسائل و مشکلات محله و... می‌باشد. لذا می‌توان بیان داشت لازمه‌ی هویت‌مندی محیط شهری توجه به شاخصه‌های فوق در برنامه‌ریزی و ساخت محیط مسکونی می‌باشد.

گام سوم: در این مرحله، ماتریس بی‌مقیاس شده در اوزان شاخص‌ها ضرب می‌شود حاصل، به صورت یک ماتریس ستونی می‌شود و نهایتاً شاخص‌ها رتبه‌بندی می‌شود، که در جدول (۴) ارائه شده است.

گام چهارم: طبق معیار زیر، بهترین گزینه، بزرگ‌ترین معیار را دارا می‌باشد.

$$A = \left[A \text{Max} \sum_{j=1}^n n_{ij} w_{ij} \right] \rightarrow A = A^2$$

هویت مفهومی است که یک سر آن به انسان برمی‌گردد

و سر دیگرش در محیط تعریف می‌شود.

جدول (۴). ماتریس محاسبه رتبه‌بندی شاخص‌ها

منبع: (نگارندگان)

رتبه بندی شاخص‌ها	$\sum n_{ij} \times w_j$	w_j	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	شاخص	رتبه
۸	۰/۲۱۶	۰/۰۷۱	۰/۳۶۸	۰/۴۳۳	۰/۹	۰/۷۵۴	۰/۵۹۲	شرکت در مسابقات مختلف فرهنگی و ورزشی محله	۱
۱	۰/۳۰۱	۰/۰۱۰	۰/۰۹۶	۰/۲۸۸	۰/۷۳۳	۰/۹	۱	احساس تعلق و وابستگی به محله	۲
۴	۰/۲۶۶	۰/۰۸۴	۰/۶	۰/۹۳۳	۰/۴۶۶	۰/۷۵۴	۰/۴۲۴	ارزیابی از وضعیت نظافت و زیبایی محله	۳
۳	۰/۲۹۰	۰/۲۱۹	۱	۱	۰/۴۵	۰/۴۲۷	۰/۲۷۲	آشنایی با مراکز مختلف آموزشی، بهداشتی، خرید محله	۴
۹	۰/۲۱۳	۰/۰۶۹	۰/۳۹۲	۰/۶۰	۰/۵۵۸	۰/۸۴۵	۰/۶۹۶	آشنایی با وظایف و حقوق شهروندی	۵
۱۰	۰/۲۰۱	۰/۰۶۶	۰/۵۶۰	۰/۴۸۸	۰/۷۷۵	۰/۷۱۸	۰/۵۱۲	ارزیابی از وضعیت آرامش و امنیت محله	۶
۱۲	۰/۱۷۵	۰/۰۵۸	۰/۲۰۸	۰/۲۶۶	۰/۶۹۱	۱	۰/۸۵۶	میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوطه محله	۷
۵	۰/۲۳۹	۰/۰۷۷	۰/۲۵۶	۰/۶۳۳	۰/۸۲۵	۰/۸۴۵	۰/۵۵۲	میزان آشنایی با تاریخچه محله	۸
۱۱	۰/۱۹۵	۰/۰۹۱	۰/۱۲	۰/۴۵۵	۱	۰/۷۰۹	۰/۷۶۸	شرکت در مراسمات و برنامه‌های جمعی محله	۹
۲	۰/۲۹۴	۰/۰۹۷	۰/۰۸	۰/۳۷۷	۰/۸۵	۰/۸۰۹	۰/۹۲	مشارکت در اجرای برنامه‌های مربوطه به محله	۱۰
۷	۰/۲۲۴	۰/۰۷۵	۰/۹۴۴	۰/۳۱۱	۰/۷۴۱	۰/۶۰۹	۰/۳۸۴	آشنایی با عناصر یا چهره‌های سرشناس محله	۱۱
۶	۰/۲۳۴	۰/۰۷۷	۰/۲۵۶	۰/۴۷۷	۰/۹۲۵	۰/۶۸۱	۰/۷۱۲	پیگیری مسائل و مشکلات محله	۱۲

سرشناس محله و پیگیری مسائل و مشکلات محله و... می‌باشد. لازمه‌ی ارتقای هویت محیط شهری توجه به شاخصه‌های فوق در برنامه‌ریزی و ساخت محیط مسکونی می‌باشد. لذا می‌توان بیان نمود که ارتقای شاخصه‌های فوق سبب اعتلای هویت محیط مسکونی می‌گردد که راه رسیدن به چنین هدفی؛ برگزاری جلسات از سوی نهادهای مردمی به‌منظور دیدار و ملاقات با مردم و از این رهگذر، اطلاع حاصل کردن از وسایل و مشکلات آن‌ها، تجدیدنظر در خصوص برخی فعالیت‌ها و خدمات به‌منظور حس رضایتمندی در نزد افراد ساکن محله‌ها، برقراری تعامل بیشتر با ساکنین محله‌ها به‌منظور تنظیم فعالیت‌ها و برنامه‌های خود در راستای انتظارات شهروندان، شناسایی و حل مشکلات اساسی و مختل‌کننده زندگی روزمره مردم در سطح محله مانند حفظ نظافت و زیبایی محله به‌منظور جلب اعتماد مردم، برگزاری دوره‌های آموزشی از سوی نهادهای مردمی برای منتخبان مردم به‌منظور تغییر دانش و نگاه آن‌ها نسبت به امور محله و تشویق شهروندان به سکونت درازمدت در محله می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Simple Additive Weighting (SAW)
- 2- Max Weber
- 3- Kevin Andrew Lynch
- 4- Christin nurburg schaltz
- 5- Robert cowan
- 6- Ronald Inglehart
- 7- Couis wirth
- 8- Hugh Barton

منابع

- افروغ، عماد. ۱۳۸۰. هویت ایرانی. تهران: انتشارات بقعه.
برک پور، ناصر. ۱۳۸۰. مصاحبه با کامران ذکاوت، پایداری هویت در محله‌های مسکونی، تهران: مجله شهرداری‌ها. ۲۵.
بهباد فر، مصطفی. ۱۳۸۶، نگاهی به هویت شهر تهران. تهران: نشر شهر.

در این پژوهش بر اساس مدل سلسله‌مراتبی SAW مشخص شد که در بین عوامل مؤثر بر هویت بخشی محلات شهری، احساس تعلق و وابستگی به محله با وزن ۰/۳۰۱ در جایگاه نخست (بر اساس پژوهش‌های دیگر در این زمینه نیز از اهمیت بالایی برخوردار بوده)، مشارکت در اجرای برنامه‌های مربوط به محله با وزن ۰/۲۹۴ در جایگاه دوم، آشنایی با مراکز مختلف آموزشی، بهداشتی، خرید محله با وزن ۰/۲۹۰ در مرتبه سوم قرار دارد. در جایگاه چهارم ارزیابی از وضعیت نظافت و زیبایی محله با ارزش ۰/۲۶۶ و میزان آشنایی با تاریخچه محله با وزن ۰/۲۳۹ در مرتبه پنجم قرار دارد. رتبه ششم مربوط به پیگیری مسائل و مشکلات محله با وزن ۰/۲۳۴ و آشنایی با عناصر یا چهره‌های سرشناس محله با وزن ۰/۲۲۴ رتبه هفتم جای می‌گیرد. در جایگاه هشتم، شرکت در مسابقات مختلف فرهنگی، ورزشی محله با وزن ۰/۲۱۶ و در جایگاه نهم آشنایی با حقوق شهری و حقوق شهروندی با وزن ۰/۲۱۳ محله قرار دارد. جایگاه دهم متعلق به ارزیابی از وضعیت آرامش و امنیت محله با وزن ۰/۲۰۱ می‌باشد. شرکت در مراسمات و برنامه‌های جمعی محله با وزن ۰/۱۹۵ در مرتبه یازدهم و میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله با وزن ۰/۱۷۵ در رتبه و جایگاه آخر که با نتایج تحقیقات دیگر در این زمینه همخوان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

هویت تفسیری است که انسان از ارتباط خود با تاریخ در گذر زمان ارائه می‌دهد؛ تاریخی که با مؤلفه‌های گوناگون زندگی از این قاعده مستثنا نیست و با انسان امروز در ارتباط است. هویت شهری به‌عنوان پدیده‌ای عینی - ذهنی که با کالبد و خاطره شهر پیوند خورده، از این قاعده مستثنا نیست. هویت‌مندی یک محیط مستلزم وجود حس تعلق مکان (مکان دوستی) ساکنان محله به محیط زندگی‌شان می‌باشد که نشأت گرفته از مشارکت در برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی، آشنایی با مراکز مختلف آموزشی و بهداشتی، وجود امنیت و آرامش در محله، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله، آشنایی با چهره‌های

هودسنی، هانیه. ۱۳۸۴. بهبود ساختاری، فضایی محلات شهری در چارچوب توسعه محله‌ای پایدار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

Barton, Hugh., Marcus Grant, and Richard Guise. 2003. Shaping Neighborhoods, New York, Spon press.

Foth, Marcus. 2004. Designing networks for sustainable neighbourhoods (A case study of a student apartment complex).

Cowan, R. 2005. The dictionary of the urbanism street.

Neal, Peter. 2003. Urban Village and the Making of Communities, Spon Press, London.

Louis, Saver and Arbour, Daneiel and Associates. 1989. Joining old and new: Neighbourhood Planning and Architecture for city Revitalization.

Walmsley. D.J. 1990. Urban Living, Longman scientific and Technical.

پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۵. مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: جلد ۱، انتشارات شهیدی.

جهانی دولت آباد، رحمان، علی شمعی، و اسماعیل جهانی دولت آباد. ۱۳۹۲. سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی ۱۳(۳۱): ۱۹۱-۲۱۰. ساروخانی، باقر. ۱۳۷۰. دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیوان.

سبحانی‌نژاد، مهدی. ۱۳۸۸. زمینه ارتقاء مشارکت مردمی با تأکید بر هویت محله‌ای. مجله آبادی: ۲۵. شمعی، علی، احمد پوراحمد. ۱۳۹۲. بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه، چاپ پنجم.

شیخاوندی، داور. ۱۳۸۰. ناسیونالیسم و هویت ایرانی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

فکوهی، ناصر. ۱۳۸۳. انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی. قاسمی، وحید، و سمیه نگینی. ۱۳۸۹، بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان. فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای ۲(۷): ۱۱۳-۱۳۶.

قاسمی اصفهانی، مروارید. ۱۳۸۳. اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت‌های مسکونی). تهران: انتشارات روزنه. لینچ، کوین. ۱۳۸۴. تئوری شکل شهر. ترجمه سید حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محسنی، محمدرضا، اهورا زندی، و محمد مسعود آتشبار. ۱۳۹۲. بررسی تطبیقی عناصر کالبدی محله‌های قدیمی شهر شیراز، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی ۱۳: ۶۵-۷۲. میرمحمدی، داوود. ۱۳۸۳. گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. تهران: موسسه مطالعات ملی - تمدن ایرانی.

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۶. ادراک زیبایی و هویت شهر (در تفکر اسلامی). اصفهان: انتشارات شهرداری اصفهان.

وحید، فریدون، و سمیه نگینی. ۱۳۹۱. ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای، مطالعات شهری ۲(۲): ۳۵-۵۸.

Received: 12/10/2020

Accepted: 27/04/2021

Assessment and Ranking of Effective Factors on Creating Local Identity in Urban Neighborhoods (Case Study: Jiroft City)

Sayyd Ali Alavi^{*}, Moosa Pahlavan Darini², Farrokhlagha Bahadori Amjazi³

Abstract

The revival of local identity and social belongings have always been emphasized by researchers and urban experts in order to promote the quality of citizen's life. Investigating and recognizing the effective factors on local identity sense can be used to solve the problem of cities identity crisis and their neighborhoods. Citizens of metropolitan cities are not accustomed to the atmosphere of their neighborhood, and in their mental image, the neighborhood is part of the city. Nowadays, neighborhood has lost its traditional features and caused a feeling of indifference and wondering on their residents. The main effort in this research is identifying and prioritizing factors affecting identity in urban neighborhoods. The research method is descriptive-analytic and data collection is done in library and field study. Data analysis using the Cochran statistical test and the Simple Additive Weighting (SAW) model was conducted. The results show that the most effective factor in identifying the neighborhoods of Jiroft was the Sense of belonging with weight 0.301, and the lowest factor was the participation rate in neighborhood-related decisions with weight 0.175.

Keywords

Urban Neighborhoods, Local Identity, Sense of Belonging, City of Jiroft.

1- Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran.

2- M.A., Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran.

3- M.A., Rural Planning, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan.

*- Corresponding Author: a.alavi@modares.ac.ir